

معصومیت یعنی چه؟ چه دلیلی برای عصمت فرشتگان وجود دارد؟

عصمت چیست؟ آیا عصمت فرشتگان و انسان‌ها از یک نوع است؟

عصمت و معصومیت از آن دسته واژه‌هایی هستند که در عین تخصصی بودن به دایره لغات عمومی مردم هم وارد شده‌اند. مثلاً بارها شده است بگوییم، «چه بچه‌های پاک و معصومی!» از عبارت «امامان معصوم» استفاده کنیم، یا برای مثال بگوییم «فرشته‌ها موجوداتی معصوم و بی‌گناهند». اما آیا منظورمان از عصمت در همه این موارد یک چیز است؟

عصمت به معنی دور بودن و در امان بودن از ارتکاب گناه و اشتباه است و به طور عمومی‌تر به پاک بودن و بی‌گناهی اشاره می‌کند. وقتی می‌گوییم بچه‌های پاک و معصوم، در واقع داریم به معنی عمومی عصمت اشاره می‌کنیم؛ اما در دو مورد دیگر، در عین حال که عصمت به دور بودن از گناه و اشتباه اشاره می‌کند، اما جنس و خاستگاه آن متفاوت است. شاید ریشه سؤالات یا ابهاماتی هم که به دور محور عصمت و معصومیت شکل می‌گیرد، به ندانستن همین تفاوت‌ها برگردد. ابهاماتی مثل این که اگر فرشته‌ها موجوداتی معصومند، پس چرا انسان اشرف مخلوقات است؟

در این مقاله به توضیح عصمت فرشتگان و تفاوت جنس این عصمت با عصمتی که در انسان‌ها وجود دارد، می‌پردازیم. اما برای رسیدن به این مطلب باید اول اشاره کوتاهی به ساختار و ویژگی‌های ذاتی فرشته‌ها و انسان بکنیم.

دلیل عصمت فرشتگان چیست؟

در مقاله «شباهت‌های رفتاری و وجه اشتراک انسان با سایر موجودات در چیست؟» گفتیم که ساختار نفس انسان از پنج مرتبه جمادی، گیاهی، حیوانی، عقلی و فوق عقلی تشکیل شده است. در حقیقت هر کدام از موجودات عالم متعلق به یکی از این مراتب هستند و متناسب با مرتبه‌ای که در آن قرار گرفته‌اند، از یک سری ویژگی‌ها و کمالات ذاتی برخوردارند. هر مرتبه‌ای از مراتب وجودی موجودات کمالات مراتب پایین‌تر از خودش را هم در بر می‌گیرد؛ مثلاً درست است که یک حیوان در مرتبه

حیوانی قرار دارد، اما هنوز مانند یک گیاه رشد و تولیدمثل دارد و مثل یک جماد وزن و بو داشته و از ابعاد مختلفی برخوردار است.

فرشته‌ها به مرتبهٔ عقلی تعلق دارند اما با سایر موجودات یک تفاوت عمده دارند و آن این است که فرشته‌ها اصلاً از ماده تشکیل نشده‌اند. به همین دلیل هم طبیعی‌ست که کمالات جمادی، گیاهی و یا حیوانی که متعلق به موجودات مادی‌ست، در آن‌ها وجود نداشته باشد. پس در واقع گرفتار تأثیرات منفی حاصل از کمالات وهمی و خیالی که مقدمه‌ای برای انجام گناهند، نمی‌شوند.

فرشته‌ها معصومند چون قابلیت انجام گناه برای آن‌ها تعریف نشده است؛ یعنی از آن‌جا که موجوداتی غیرمادی و متعلق به مرتبهٔ عقلی هستند، نه می‌توانند گناه کنند و نه می‌توانند رشد کنند و به مرتبهٔ فوق‌عقل که مخصوص انسان است، برسند. پس **عصمت فرشتگان از نوع اختیاری نیست** و جزء کمالات و ویژگی‌های ذاتی‌شان به حساب می‌آید، در نتیجه بهشت و جهنمی هم برای‌شان وجود ندارد.

تفاوت معصومیت انسان با فرشتگان

چرا و چگونه معصومین به مقام عصمت رسیده‌اند؟ عموماً دو جواب پرکاربرد به این سوال وجود دارد:

1) معصومین گناه نمی‌کنند، به دلیل این‌که علت بدی کارها را می‌دانند و با باطن آن آشنايند. اما خیلی از اوقات ما هم دلیل بدی کارها را می‌دانیم، ولی باز به سراغ آن‌ها می‌رویم. مثلاً خیلی از افراد سیگاری از مضرات سیگار کشیدن باخبرند، اما هنوز این کار را انجام می‌دهند، حتی وقتی که به دلیل سیگار کشیدن گرفتار بیماری‌های قلبی می‌شوند. یا بسیاری از ما با این‌که از ضررهای فست‌فودها باخبریم، با اشتیاق آن‌ها را مصرف می‌کنیم. پس دانستن دلیل بد بودن کارها برای دوری از خطا و اشتباه کافی نیست.

2) معصومین گناه نمی‌کنند چون توانایی انجام گناه را ندارند.

انسانی که به درجه معصومیت و عصمت می‌رسد، بر خلاف فرشتگان امکان انجام گناه را دارد؛ یعنی از مراتب و کمالات جمادی و گیاهی و حیوانی که می‌توانند بستری برای انجام خطا و گناه باشند، برخوردار است؛ اما قدرت مرتبه فوق‌عقلش به قدری زیاد است، که به او اجازه رفتن به سمت گناه را نمی‌دهد. در درس‌های گذشته به این اشاره کردیم که وقتی بعد الهی یا فوق‌عقل ما بر نفسمان حاکم باشد، در حال تعادل و تراز انسانی قرار می‌گیریم. در انسانی که به درجه عصمت رسیده، به قدری این تعادل برقرار است که اصلاً امکان رفتن به سوی خطا و اشتباه برای او وجود ندارد.

در نتیجه می‌توانیم بگوییم که تفاوت عمده معصومیت در انسان‌ها و عصمت فرشتگان به تفاوت در ساختار وجودی آن‌ها برمی‌گردد؛ عصمت فرشتگان اجباری و برآمده از ساختار وجودشان است، اما عصمت در معصومین حاصل تلاش و کوشش آنان در حاکم کردن فوق‌عقل بر سایر ابعاد وجود است؛ در نتیجه اختیاری و قابل دسترسی است. گرچه دلیل عصمت معصومین آگاهی از باطن گناه نیست، اما این آگاهی در رسیدن به عصمت بی‌تأثیر نیست و می‌تواند نقطه شروع حرکت انسان در اصالت بخشیدن به فوق‌عقل باشد.

شبیه‌هایی در رابطه با عصمت فرشتگان

با دانستن این تفاوت‌ها احتمالاً پاسخ سؤالاتی که در ابتدای متن مطرح کردیم، واضح‌تر شده‌اند. حالا متوجه می‌شویم که چرا با وجود عصمت فرشتگان این انسان است که به مقام اشرف مخلوقات رسیده است. فرشتگان به خاطر ساختار وجودی‌شان قابلیت انجام گناه را ندارند و در عصمت خود بی‌اختیارند. به عبارت دیگر فرشتگان توانایی ارتکاب گناه را ندارند و همین عدم توانایی است که ارزش عصمت در فرشتگان را از عصمت انسان پایین‌تر قرار می‌دهد.

انسانی که به درجه عصمت می‌رسد، با اختیار و کوشش خود به این جایگاه رسیده است، انسان معصوم با ممارست در تقوا به چنان درجه‌ای از قدرت انسانی یا فوق‌عقلی رسیده است که هرگز به سمت انجام گناه و اشتباه نرفته و از حالت تراز انسانی

خارج نمی‌شود؛ در نتیجه بر خلاف فرشتگان که عصمت ویژگی ذاتی و فطری‌شان به حساب می‌آید، انسان معصوم از

روی اختیار عصمت داشته و به همین دلیل در جایگاه بالاتری قرار می‌گیرد.

وقتی ساختار وجودی و دلیل معصوم بودن فرشته‌ها برایمان واضح شد، شبهه فرشته بودن ابلیس هم به خودی خود برطرف می‌شود؛ چون اگر ابلیس واقعاً یک فرشته بود، قابلیت انجام نافرمانی را نداشت. در نتیجه ابلیس به دسته‌ای دیگر از موجودات غیرمادی تعلق دارد که دارای اختیار هستند.

ما در این مقاله به تعریف عصمت اشاره کردیم. فهمیدیم که جنس عصمت فرشتگان با عصمت انسان معصوم متفاوت است. انسان معصوم به دلیل حاکمیت تمام و کمال مرتبه فوق‌عقل به مرتبه‌ای از حالت تعادل انسانی رسیده است که امکان ندارد به سمت گناه رفته و باعث سقوط خود شود. در حالی که عصمت فرشتگان به ساختار وجودی آنها بستگی داشته و از روی اختیار نیست.